

مشأرتشی آموزه مش افلاطون: تدبررسی

زینب شریعت نیا^۱، نوری سادات شاهنگیان^۲

چکیده

مفاهیم بنیادی مُثُل و فَرَوَهر در فلسفه افلاطون و دیانت زرتشتی از جایگاه ویژه و ارزشمندی برخوردارند. در فلسفه افلاطون نظریه مُثُل با تبیین هستی به بیان اصل و منشأ صور عالم مادی پرداخته است؛ چنانکه در جهان‌بینی زرتشتی نیز، آفرینش صورتهای این عالم، تابع صور روحانی (فَرَوَهر) آنها دانسته شده است. بسبب وجود برخی شباهتها میان این دو مفهوم کلیدی، برخی قائل به الگوبرداری افلاطون از تعالیم زرتشت بوده و آموزه مُثُل را آموزه‌یی زرتشتی دانسته‌اند. نوشتار پیش‌رو با هدف راستی‌آزمایی این ادعا به مقایسه این دو مفهوم پرداخته و وجوه افتراق و اشتراک هر یک را در خصوص ویژگیها و کارکردها مورد بررسی قرار داده است. چنین بنظر میرسد که تفاوت‌های این دو جدی‌تر از آن است که نظریه الگوبرداری باسانی قابل پذیرش باشد.

کلیدواژه‌ها: افلاطون، مُثُل، زرتشت، فَرَوَهر، عالم مینوی، عالم مادی

۱۶۱

* * *

۱. کارشناس ارشد الهیات ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا(س) (نویسنده مسئول)؛ shariatnia.zeinab@gmail.com
 ۲. استادیار گروه الهیات ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا(س)
- تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۹

